

Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2024; 16: e23

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

Analysis of the Content of "Al-Tanvir in Medical Terminology" Book and its Role in Samani Period Medicine

Abdollah Safarzaie¹, Nahid Barahui^{2*}

1. Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Velayat University, Iranshahr, Iran.

2. Social Studies Department, Farhangian University, Zahedan, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The Samani period was one of the periods of Iranian scientific and cultural advancement in the third and fourth centuries of Hijri. In this period, most common sciences and knowledge, including religious, literary and scientific, had a significant growth and prosperity. One of the main factors of this growth was Samani emirs and ministers' support of scholars and scientists. Medicine, as one of the branches of science that had a clear brilliance, was effective in the prosperity of the scientific environment of that time. In addition to the emergence of many scientists and their services, many medical works were also authored that he most famous of which is "Al-Tanvir in medical terminology" book by Abu Mansour Al-Qamari Bukhari. The purpose of this research is to explain and analyze the content of Al-Tanvir and its practical role in medical issues of Samani period.

Methods: This article is written in a historical way by describing and analyzing data collected from library sources.

Ethical Considerations: In the present study, the ethical aspects of library study, including the originality of texts, honesty, and trustworthiness, have been observed.

Results: Abu Mansour has introduced and explained medical terms by writing Al-Tanvir as a comprehensive guide. The comprehensiveness of medical terms for the doctors of that period and the choice of Persian language and the simplicity of the description of the terms were useful for the general public of that period and even later periods.

Conclusion: From the simplicity and comprehensibility of Al-Tanvir, it can be concluded that this book is suitable for the practical use of beginner doctors and even the general public.

Keywords: Samani; Medicine; Abu Mansour Al-Qamari; Al-Tanvir; 4th Century

Corresponding Author: Abdollah Safarzaie; **Email:** a.safarzaie@velayat.ac.ir

Received: August 25, 2022; **Accepted:** November 16, 2024; **Published Online:** December 23, 2024

Please cite this article as:

Safarzaie A, Barahui N. Analysis of the Content of "Al-Tanvir in Medical Terminology" Book and its Role in Samani Period Medicine. *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2024; 16: e23.



تحلیل محتوای کتاب «التنوير فی اصطلاحات الطب» و نقش آن در پزشکی دوره سامانی

عبداله صفرزائی^۱، ناهید براهوئی^{۲*}

۱. گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران.

۲. گروه مطالعات اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، زاهدان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: دوره سامانی یکی از دوره‌های اعتلای علمی و فرهنگی ایران در سده سوم و چهارم قمری بود. در این دوره اغلب علوم و دانش‌های متداول اعم از دینی، ادبی و علمی رشد و رونق چشم‌گیری پیدا نمودند که یکی از عوامل عمده آن حمایتی بود که امیران و وزیران سامانی از علما و دانشمندان داشتند. علم طب به عنوان یکی از شاخه‌های علمی که درخشش بارزی داشت، در رونق فضای علمی آن روزگار مؤثر بود و علاوه بر ظهور دانشمندان بسیار و خدمات متعدد آنان، آثار پزشکی زیادی نیز تألیف شد که از مشهورترین آن‌ها کتاب «التنوير فی اصطلاحات الطب» از ابومنصور القمري بخاری است. هدف از این تحقیق، تبیین و تحلیل محتوای کتاب التنوير و نقش کاربردی آن در مسائل طبی و پزشکی دوره سامانی است.

روش: این نوشتار به روش تاریخی با توصیف و تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده از منابع کتابخانه‌ای، نگاشته شده است.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: ابومنصور با نگارش کتاب «التنوير» به عنوان یک راهنمای جامع، اصطلاحات پزشکی را معرفی و تشریح نموده است. جامعیت اصطلاحات پزشکی برای پزشکان آن دوره و انتخاب زبان فارسی و سادگی شرح اصطلاحات، برای عموم مردم آن دوره و حتی ادوار بعدی کاربرد داشته است.

نتیجه‌گیری: از سادگی و قابل فهم بودن کتاب «التنوير» چنین استنباط می‌شود که این کتاب به منظور استفاده کاربردی پزشکان مبتدی و حتی استفاده عموم نوشته شده است.

واژگان کلیدی: سامانی؛ طب؛ ابومنصور القمري؛ التنوير؛ قرن چهارم

نویسنده مسئول: عبداله صفرزائی؛ پست الکترونیک: a.safarzaie@velayat.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Safarzaie A, Barahui N. Analysis of the Content of "Al-Tanvir in Medical Terminology" Book and its Role in Samani Period Medicine. *Tārikh-i pizishkī*, i.e., Medical History. 2024; 16: e23.

مقدمه

سامانیان از اواخر قرن سوم تا اواخر قرن چهارم قمری از سال ۲۷۹ تا ۳۸۹، به مرکزیت بخارا بر پهنه وسیعی از شرق، شمال شرق و تا حدودی نواحی مرکزی ایران حکومت کردند. در دوره سامانیان تحولات اجتماعی، فرهنگی و علمی قابل توجهی در ایران روی داد. مهم‌ترین وجه مشخصه اجتماعی و فرهنگی این دوره، احیای فرهنگ ایرانی و زبان فارسی بود. از خصوصیات مهم دیگر این دوره، توجه امیران و وزیران سامانی به دانش و دانشمندان بود. در این دوره اغلب وزیران، از جمله جیهانی، بلعمی، عتبی و دیگران از افراد دانشمند انتخاب می‌شدند. توجه به علما و دانشمندان توسط امرا و وزیران سامانی و تقدیر از آنان به روش‌های گوناگون متناسب با شأن و جایگاه عالمان، از ویژگی‌های شاخص آن دوره بود. به وجود آمدن شرایط این چنینی به همراه عوامل متعدد دیگر، باعث شده بود در دوره سامانی علوم و دانش‌های گوناگون رونق و شکوفایی به سزایی پیدا نماید و آثار علمی متعددی در زمینه‌های گوناگون نگاشته شود. در زمینه پزشکی و داروسازی، چهره‌های علمی همچون: رازی، ابن سینا، اخوینی بخاری، ابومنصور موفق هروی، علی بن عباس مجوسی و دیگران خوش درخشیدند. در میان پزشکان نامدار این دوران، طبیبی ماهر با نام ابومنصور حسن بن نوح القمري البخاری مغفول مانده و پژوهشگران کمتر به وی و آثارش توجه نموده‌اند. نخستین پژوهشی که به معرفی ابومنصور و آثارش پرداخته، نامه دانشوران است. نامه دانشوران دایرةالمعارف مفصلی است درباره شرح حال ناموران ایرانی و اسلامی که در دوره ناصرالدین‌شاه توسط برخی از دانشمندان آن دوره که به کتاب‌ها و نسخه‌های خطی کتابخانه سلطنتی دسترسی داشتند، نوشته شده است، البته در این اثر تحقیقی، مراجع مورد استفاده قید نشده و فقط به صورت یک گزارش ادبی درباره زندگی‌نامه ابومنصور و ذکر مختصر آثارش مطالبی آمده است. نصرالله کاسمی در نشریه گوهر خرد در سال ۱۳۵۳، در دیباچه «التنوير» به صورت مختصر در مورد ابومنصور القمري مطالبی آورده است. سیدحسین نصر در جلد چهارم

«تاریخ ایران کمبریج»، در مقاله «علوم زیستی» در اشاره‌ای کوتاه به معرفی وی و ذکر آثارش پرداخته است. شریف حسینی در مقاله «پزشکی تمدن اسلام» نیز به نام ابومنصور اشاره کرده است، اما در هیچ کدام از این پژوهش‌ها کتاب «التنوير» مورد تحقیق، واکاوی و معرفی قرار نگرفته است. از این رو، تحقیق پیرامون این کتاب و معرفی آن در تبیین اصطلاحات پزشکی آن دوره، ضروری و مهم به نظر می‌رسد. تحقیق درباره موضوعات اینچنینی می‌تواند فضای علمی پزشکی دوره سامانی را با تأکید بر زبان فارسی و تأثیر آن در ابعاد متعدد زندگی اجتماعی آن دوره آشکار سازد. همچنین می‌تواند راهگشای بسیاری از تحقیقات در ابعاد دیگر آن دوره تاریخی گردد. برای تبیین و واکاوی این متن پزشکی به این سؤال پاسخ داده شده که در کتاب «التنوير» لغات و اصطلاحات پزشکی چگونه و با چه نظامی توضیح داده شده‌اند؟

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

مواد و داده‌های جمع‌آوری شده در این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای با تأکید بر منابع اصلی در بازه زمانی تحقیق، یعنی سده‌های سوم و چهارم قمری گردآوری و سپس دسته‌بندی، انتخاب، تنظیم، توصیف و تحلیل شده‌اند، بدین ترتیب پس از ذکر مختصری از اوضاع علمی و طبی دوره سامانی و معرفی ابومنصور القمري، رساله پزشکی وی، یعنی *التنوير* در ترجمه و تفسیر اصطلاحات پزشکی مورد واکاوی قرار گرفته است.

محدودیت‌ها: کمبود منابع تاریخی آن دوره از محدودیت‌هایی است که نگارندگان در این تحقیق با آن مواجه بودند.

یافته‌ها

ابومنصور القمري البخاری در کتاب التنوير در ترجمه و تفسیر اصطلاحات پزشکی، لغات و اصطلاحات را در ده باب با نثری ساده و توضیحاتی مختصر آورده تا برای مبتدیان علم پزشکی مورد استفاده قرار گیرد. باب‌های ده‌گانه این کتاب و مطالب موجود در آن در چهارچوب نظریات طبی پزشکان اسلامی آن دوره ارائه شده است. این امر نشانگر آن است که کتاب التنوير هم برای استفاده کاربردی پزشکان و هم در زمینه تعلیم و ترویج علم پزشکی مؤثر بود.

بحث

۱. مختصری از اوضاع علمی و طبی سامانیان (۳۸۹-۲۷۹ ق.): در دوره سامانیان (۳۸۹-۲۷۹ ق.) انواع علوم و دانش‌ها و همچنین نگارش کتب علمی به زبان فارسی رشد و رونق قابل توجهی پیدا نمود. یکی از رشته‌های علمی قابل توجه و مورد حمایت سامانیان، دانش پزشکی و شاخه‌های مربوط به آن بود. اطلاع‌دادن ابن سینا از کتاب‌های بسیار نفیس حوزه پزشکی در کتابخانه سلطنتی بخارا، نشانگر ارزش و اهمیت علم پزشکی در این دوره بود (۱). از مشهورترین پزشکان این دوره می‌توان محمد بن زکریای رازی و ابن سینا را نام برد که عصر طلایی طب اسلامی را به وجود آوردند (۲). ابوبکر محمد بن زکریای رازی بزرگ‌ترین پزشک بالینی اسلام بود که مدتی در دربار سامانیان پرورش یافت. رازی به دلیل حمایت منصور بن اسحاق سامانی، کتاب المنصوری را به او تقدیم نمود (۳-۴). رازی آثار دیگری از جمله رساله‌ای درباره آبله و سرخک و کتابی با عنوان: الحاوی فی الطب نیز از خود به یادگار گذاشته است (۵-۶). جامعیت و فراوانی آثار طبی رازی پزشک پرآوازه عهد سامانی، در شکوفایی و پیشرفت چشم‌گیر این علم در آن دوران تأثیرگذار بود. یکی دیگر از نامدارترین دانشمندان و پزشکان دوره سامانی که خدمات ارزشمندی به پزشکی نمود، ابوعلی سینا حکیم و فیلسوف مشهور است. وی از استعداد فراوانی برخوردار بود، چنانکه در هجده سالگی بر بسیاری از علوم احاطه کامل داشت (۱، ۷).

ابن سینا برای مدتی جهت تحصیل علم پزشکی، ابومنصور حسن بن نوح القمري را به استادی برگزید (۸). این پزشک نامدار در پزشکی چنان مهارت یافت که به خدمت امیر نوح بن منصور سامانی (۳۸۷-۳۶۵ ق.) درآمد و بیماری وی را معالجه کرد و به واسطه آن به کتابخانه سلطنتی سامانیان دسترسی پیدا نمود (۱). بزرگ‌ترین شاهکار پزشکی وی قانون فی الطب است (۹).

مقارن این ادوار، ابوبکر ربیع الاخوينی البخاری کتاب هدیه المتعلمين فی الطب را نوشت (۱۰). این اثر نخستین کتاب پزشکی به زبان پارسی دری بود (۱۱). اخوينی این کتاب را با جملاتی کوتاه و ساده با هدف آموزش پزشکی به مبتدیان به درخواست فرزندش نوشته است (۱۲). نظامی عروضی سمرقندی از این کتاب به عنوان منبعی معتبر برای آموزش و یادگیری پزشکی توسط دانش‌پژوهان علم پزشکی یاد نموده است (۱۳). یکی از دلایل اهمیت هدیه المتعلمين فی الطب این است که این کتاب مرجعی قابل حمل با حجم اندک بود و هر زمان پزشک بر بالین بیمار حاضر می‌شد، می‌توانست از آن استفاده کند (۱۲). افزون بر این‌ها، ابومنصور موفق هروی کتاب الانبياء فی حقایق الادویه را درباره داروها نوشت. این اثر یکی از نخستین کتب داروشناسی به فارسی بود (۱۴). بیشترین اهمیت این اثر این بود که هروی مقتدای بسیاری از نویسندگان مشهور در نگارش رسالات طبی به زبان فارسی بود (۱۵).

دیگر پزشکان و دانشمندان این عهد نیز آثار ارزشمندی در علم پزشکی نوشتند. ابوالفرج علی بن حسین بن هندوی نیشابوری کتاب‌های انموذج الحکمه، المفتاح، الرساله المشرقيه و کتاب النفس را در زمینه پزشکی به زبان عربی تدوین نمود (۱). ابوسهل دیگر پزشک ماهر مسیحی، کتابی تحت عنوان الماء فی الصناعه الطبیه نگاشت (۱۳). همچنین دانشمندان مسلمان دستورات قرآن و احادیث نبوی درباره رعایت بهداشت و سلامت انسان را در آثاری با عنوان طب النبی گرد آوردند. از نخستین این آثار می‌توان به طب النبی تألیف ابوالعباس مستغفری عالم برجسته عصر سامانی اشاره نمود (۱۶). تألیف

و ترجمه چنین آثاری مؤید سهم و نقش پزشکان ایرانی در پیشرفت علم پزشکی و تأثیرپذیری و گرایش دیگر علما و دانشمندان جهان اسلام به دستاوردهای پزشکان ایرانی سده‌های نخست اسلامی و دوره سامانی است.

۲. زندگی‌نامه و آثار ابومنصور البخاری: ابومنصور حسن بن نوح القمري البخاری از ناحیه کمره از آبادی‌های ناحیه بخارا بود (۱۷-۱۸)، وی از پزشکان نامدار سده چهارم قمری در دوره سامانی بود که مدتی را در دربار منصور بن نوح سامانی (۳۶۵-۳۵۰ ق.) می‌زیست (۲). تاریخ دقیق تولد و وفات ابومنصور در منابع ذکر نشده است. محمد بن زکریای رازی در کتاب *الحاوی* از سخنان و آرای پزشکی او یاد کرده است (۳). ابومنصور نیز متقابلاً در کتاب غنی و منی و دیگر آثار طبی خود، آرا و عقاید رازی را در معالجه و دیگر مسائل مهم طبی آورده است (۱۹). ابوعلی سینا و ابوسهل عیسی بن یحیی جرجانی از شاگردان ابومنصور بودند (۲۰). ایام کهنسالی ابومنصور مصادف با جوانی ابن سینا بود و ابن سینا مدتی در خدمت وی به صورت نظری و عملی به فراگیری علم پزشکی اشتغال داشت (۲۱). ابن ابی‌اصیبه از تبحر و آگاهی ابومنصور در حرفه پزشکی و اصول و فروع آن و احترام وی نزد دیگر پزشکان آن دوره یاد نموده است (۳). سخن وی درباره ابومنصور القمري و آثار وی نشانگر مشهوربودن وی و آثارش در سرزمین‌ها و کشورهای دوردست مانند مصر و آفریقا بود (۱۹). ابومنصور القمري همچنین در جلسات درس برای ابن سینا و دیگر شاگردانش از روش‌های جراحی که از مکتب سیراف آموخته بود، سخن گفته است. این مکتب ماحصل برخورد تمدن‌های مصر، یونان و هند در این بندر بین‌المللی بود (۲۲). از این مطلب این‌گونه استنباط می‌شود که القمري با پزشکان دیگر بلاد اسلامی نیز ارتباط و مراودات علمی گسترده‌ای داشته است. از مهم‌ترین آثار ابومنصور کتاب *علل العلل* است (۳). کتاب دیگر وی غنی و منی است که در آن انواع بیماری‌ها و درمان آن‌ها را گردآوری نموده و نظرات گروهی از پزشکان سرشناس به خصوص زکریای رازی را در پزشکی به اختصار نقل کرده است. وی این کتاب را در شرح

امراض و بیماری‌ها، چگونگی مداوا و علاج، انواع معالجات و کیفیت تشخیص بیماری‌ها و نسخه‌نویسی پزشکی به زبان عربی نوشته است. از نظر موضوع، بسط، تفصیل و جامعیت، این کتاب در نوع خود در دوران گذشته کم‌نظیر بود. ابومنصور در دیباچه این کتاب چنین نوشته است: «من این کتاب را برای پزشکان نوشته‌ام تا ایشان را در هنگام لزوم و ضرورت از مراجعات و تفحصات و تحقیقات بسیار در کتب متعدده بی‌نیاز و مستغنی بنماید و تا عهد ظهور و نگارش این کتاب کسی از پزشکان (نه از یونان و نه از اسلامیان) در موضوع علاج کتابی جامع و مبسوط تألیف نکرده است» (۱۹). از این رو، این کتاب در علم پزشکی قدیم از اهمیت فراوانی برخوردار بود و تا ادوار متأخر نیز مورد استفاده عموم پزشکان قرار داشت. دیگر اثر پزشکی سودمند ابومنصور رساله *التنویر* در ترجمه و تفسیر *اصطلاحات پزشکی* است که در ادامه نوشتار مورد واکاوی قرار گرفته است.

۳. تحلیل محتوای رساله التنویر: ابومنصور رساله *التنویر فی اصطلاحات الطب* را نخست به زبان عربی نوشت و سپس آن را به فارسی ترجمه کرد. این احتمال نیز وجود دارد که نخست این کتاب را به زبان فارسی نوشته و سپس به عربی ترجمه کرده است. مصادیق دیگری نیز از دانشمندان آن دوره وجود دارد که اثر علمی‌شان را هم به زبان عربی و هم به زبان فارسی نوشتند. در دوره سامانی با حمایتی که از نظم و نثر پارسی توسط امرای سامانی می‌شد، دانشمندان به تألیف و ترجمه آثار فارسی ترغیب شدند (۲۱). ترجمه فارسی *التنویر* دارای نثری ساده، روان و بلیغ و سبک محاوره مردم آن دوره در ماوراءالنهر و خراسان بود. در این کتاب ابومنصور نام بسیاری از بیماری‌ها، معالجات، داروها، خوراک‌ها، طبایع و اعضای بدن را شرح، تعریف و تفسیر نموده، اما در باب علت و سبب پیدایی بیماری‌ها مطلبی نگفته است. در مجموعه نسخ خطی، اثری با عنوان *حدود الامراض* به معنی تعریف بیماری‌ها نیز وجود دارد که نسخه عربی کتاب *التنویر* است. فهرست‌نویس نسخه‌ها گویا این نام را از موضوع کتاب گرفته که در تعریف بیماری‌ها است، زیرا ابومنصور در پیشگفتار کوتاه

کتاب خویش نوشته است: «و ان اسمیه کتاب التنوير» و ناسخ بدون توجه به مندرجات مقدمه و یا از باب معرفی موضوع کتاب، نام حدودالامراض را بر آن نهاده است (۱۹). ابومنصور اهداف خویش از تألیف این کتاب را در پیشگفتار اثرش، بیان نموده است. یکی از اهداف وی ایجاد اشتیاق برای دانش‌اندوزان در زمینه علم پزشکی و انتقال معلومات خویش جهت تشریح و توضیح مسائل پزشکی برای علم‌آموزان بود. وی در این خصوص آورده است: «... کسی را به رغبت آرم به آموختن این علم همیشه به اندیشه اندر باشم که آنچه از وی سهل است نزدیک آرم و آنچه از وی دشوار است آسان گردانم، تا دل اندر آینده بوی قوی‌تر گردد و نیت وی درست‌تر شود، تا بهره خویش بتمامی از وی بردارد...». از اهداف دیگر وی این بود که مطالب مهم پزشکی را از متون و منابع پراکنده یک جا گردآوری نماید تا نوآموزان علم پزشکی به راحتی بدان دسترسی پیدا کنند. ابومنصور در این باره چنین اظهار نموده است: «اندرین وقت خواستم که از کتاب‌ها، طب و از کناش‌ها، لفظ‌هایی برچینم که معنی آن بنزدیک اهل این علم معروف است و شناختن چیزهایی که هر روز به کار آید و آن نتوان یافتن اندر کتاب‌ها، مگر پراکنده و این کس که نو بود اندر علم بتواند به دست‌آوردن تا رنج بسیار نبیند و بود که از آن رنج بسته شود و سیری آیدش و روی از وی بگرداند» (۲۳).

فصل‌بندی و تفکیک فصول کتاب را ابومنصور این‌گونه بیان نموده است: «ده باب کنم و هر لفظی را با یارانش جفت کنم اندر باب خویش تا با یکدیگر نیامیزد و بیافتن دشوار نشود». این امر دقت و نکته‌سنجی پزشک حاذق را در تفکیک دقیق مباحث آشکار می‌سازد. ابومنصور ذکر بیماری‌ها را در باب‌های ده‌گانه با ترتیب خاصی شرح داده است. باب اول با عنوان «اندر نام‌های بیماری‌ها که از موی سر تا ناخن پای بدید آید»، درباره اسامی بیماری‌های اعضای بدن از موی سر تا ناخن پای است. ابومنصور در این باب به اسم هشتاد و هشت بیماری اشاره کرده است. وی بعضی بیماری‌ها را در حد دو الی سه واژه و برخی را حتی تا چندین سطر تعریف نموده است. ابومنصور ابتدا بیست و دو بیماری سر، مغز و اختلالات اعصاب

با عناوین صداع، شقیقه، بیضه، دوار، سدد، سبات، شخوص، سبات سهری، سهر، سرسام، مالیخولیا، کابوس، صرع، ام‌الصبيان، سکت، خدر، فالج، تشنج، کزاز، رعشه، لقوه و اختلاج را به صورت مختصر شرح داده است. به عنوان مثال در کمترین توضیح، بیماری شقیقه را در حد سه واژه تعریف نموده است: «درد نیمه سر»؛ برعکس بیماری سکت را مفصل‌تر تعریف می‌نماید: «آن بود که مردم بیفتد چون مرده و دم نزنند و کر دم زند سخت ناپیدا بود چنانکه در نتوان یافتن مگر به حيله و گاه خرخر و گاه براه باز آید و نیمه تنش بیکار گردد و گاه خبه گردد و بمیرد...» وی سپس نوزده بیماری چشم را شامل رمد، طرفه، ظفره، سبل، سلاق، باشکونه، فرود آمدن آب، ریش اندر چشم، سپیدی اندر چشم، غرب، رسخ، سارموره، انتشار، شعیره، جسا، عشا، جهر، خفش و طرش دانسته است. با توجه به حجم کتاب و تعداد کل بیماری‌هایی که ابومنصور نام برده، تعداد بیماری‌های چشم قابل توجه است. احتمال می‌رود خود ابومنصور در زمینه بیماری‌های چشم شناخت بیشتری داشته و یا اینکه در آن زمان بیماری‌های چشم بیشتر رایج بوده است. ابومنصور بیماری‌های بینی و حلق و دهان را این‌گونه برشمرده است: باسور، رعاف، ضفدع، قلاع، بخر، خوانیق، زکام و نزله. بیماری باسور و رعاف از بیماری‌های بینی است و سایر بیماری‌هایی که در این بخش آورده، مربوط به دهان و حلق است. جالب اینکه درباره بیماری‌های دندان اشاره‌ای ندارد. وی در ادامه پنج بیماری ریه و دستگاه تنفسی و دو بیماری قلب شامل بیماری‌های ریوتفه، ذات‌الریه، ذات‌الجنب، سل، سعال، خفقان و غشی را تعریف نموده است. ابومنصور در تقسیم‌بندی بیماری‌ها با در نظرگرفتن اندام‌های خاص بدن به حدی دقت داشته که در کلیات با آنچه امروزه به صورت رشته‌های تخصصی در پزشکی مطرح است، هم‌خوانی دارد. پس از آن، بررسی بیماری‌های مری، معده و کبد را مورد توجه قرار داده است. در این قسمت از چهارده بیماری گوارشی و دو بیماری کبد با عناوین فواق، شهره‌الکلبیه، قطاع، تهوع، هیضه، ذرب، زلق‌الامعاء، مغص، سحج، قولنج، جلعه، زجیر، یرقان، استسقا و دیابط نام برده

است. وی در ادامه فصل اول از یازده بیماری کلیه، مجاری ادراری و دستگاه تناسلی مردان و زنان شامل تقطیر، حصا، باسور، باجور، فتق، عرق النساء، باه، الذکره، عذیوط، اختناق الرحم و زجا یاد کرده است. در این قسمت مهم‌ترین بیماری‌های دستگاه تناسلی مردان و زنان به صورت مجزا و مختصر توضیح داده شده است. در قسمت پایانی فصل اول برخی بیماری‌های ستون فقرات و همچنین بیماری‌های داخلی دیگری که آثارشان بر دست و پا ظاهر می‌شود، با عناوین نقرس، وجه المفاصل، فرسه، دوالی، داء الفیل و عرق مدینی را تعریف کرده است (۲۳).

از نکات قابل توجه در فصل اول کتاب //تنوير این است که بیماری‌ها را به تفکیک قسمت‌های مختلف اعضای بدن تعریف کرده و به ترتیب از سر تا قسمت پایین بدن آورده است. همچنین در خصوص برخی اعضای بدن به بیماری‌های بیشتر و برخی اعضای بدن به بیماری‌های کمتری اشاره نموده است، مثلاً درباره قلب فقط از دو بیماری و درباره چشم از نوزده بیماری یاد کرده است. این مسأله نشانگر آن است که یا بیماری‌های قلب در آن زمان توسط طبیبان ناشناخته بود و یا اینکه به خاطر فعالیت‌های روزمره فراوان مردم و سبک تغذیه طبیعی در آن روزگار، مردم کمتر به انواع بیماری‌های قلبی دچار می‌شدند.

باب دوم کتاب //تنوير با عنوان «اندر بیماری‌ها که بر روی تن بذید آید» است. ابومنصور در این باب سی و چهار مورد از بیماری‌های پوست، سر و موی را به اختصار شرح داده است. عنوان دقیق بیماری‌هایی که وی در فصل دوم تعریف نموده، عبارتند از: سعفه، داء الثعلب، حزاز، داء الحیه، قرع، صلح، قلع، برش و نمش، بهق، برص، جزام، خون مرده، داحس، لسان النار، ثلول، حصف، صنان، قوبا، شوی، الماشری، حمرة، آتش پارسی، سرطان، خنازیر، سلح، قرون، دبيله، بلخی، طاعون، اکله، آلی، متشابه، انحلال فرد و تفرق والاتصال (۲۳). برخی از بیماری‌هایی که در این بخش یاد نموده، از جمله جزام و طاعون حالت واگیردار و همه‌گیری داشتند و منجر به تلفات فراوان در جامعه می‌شدند. به عنوان مثال در سال ۲۶۴ قمری،

بیماری همه‌گیر طاعون در خراسان و مناطق شرقی ایران شیوع یافت. این بیماری همه مناطق خراسان را فراگرفت و تا قومس امتداد داشت. همچنین جان بسیاری از افراد را گرفت (۲۴). ابومنصور برخی بیماری‌ها را نیز در معنای خاص تعریف نموده است. به عنوان مثال بیماری سرطان را این‌گونه توصیف نموده است: «آماسی بود سخت و بتن اندر، بیخ بسیار دارد و رگ‌هایی بود کبود که وی را آب دهد و چون دست برنهند، گرم بود همچون پاره آتش برافروخته و اندر آویخته به اندام‌های اصلی اندر و مردان را بروذکانی برآید و بذکر و بروی، و زنان را بر پستان و زهدان و چون بذید آید چون نخودی بود و بروزگار چون خربزه گردد و چون روزگار برآید، دراز ریشی گردد سخت زشت» (۲۳). این در حالی است که سرطان یک معنی عام نیز دارد و به بیماری‌هایی گفته می‌شود که علاج ندارند.

باب سوم //تنوير با عنوان «اندر نام‌ها، تب‌ها و آنچه درخور وی است»، درباره انواع تب‌ها است. ابومنصور در این قسمت تلاش کرد تا تفکیک انواع تب و علل و علائم آن را بیان نماید و بدین منظور نوزده نوع تب شامل حمی یوم، حمی دق، فلاس، ذبول، تب غب، تب محرقه، تب مطبقة، لرزه، مخلطه، تب مرکب، جدري، حصبه، تب وبایی، نضج، بحران، رسوب، تفسره، براز و ناقه را شناسایی کرده و توضیح داده است. از توجه فراوان پزشکان آن دوره در تشریح انواع تب می‌توان نتیجه گرفت که تب‌ها از مهلک‌ترین بیماری‌های آن دوران بودند که پیامدهای ناگوار آن در تهییج پزشکان برای تشخیص و درمان آن تأثیر به سزایی داشته است. به عنوان مثال ابومنصور تب وبایی را اینطور تعریف نموده است: «آن بود که از هوا خیزد که آن معروف است به نزدیک خداوندان طبایع» (۲۳). تب وبایی از بیماری‌های بسیار مسری و مهلک آن دوره از تاریخ ایران بود که در برخی مواقع تلفات فراوانی بر جای می‌گذاشت، مثلاً در سال ۳۴۳ قمری در خراسان و مناطق پیرامونی آن و جبال شیوع یافت و به روایت ابن اثیر به حدی تلفات داشت که مردگان قابل شمارش نبودند (۲۴). ابن جوزی روایت نموده است که بیماری وبا در این سال

سرزمین‌های وسیعی از هند و غزنه تا خراسان، گرگان، ری، اصفهان و جبال را فراگرفت (۲۵). ابومنصور درباره بیماری آبله آورده است: «جدری، آبله بود، و وی ریش‌ها بود که به همه تن برآید، سپس از آنک تبی گرفته بود دائم و بر آب شود و باز آن آب ریم گیرد و باز خشک شود و فرو ریزد.» وی در مورد تشابه و تفاوت جدری و حصبه می‌نویسد: «مانند وی است جز آنکه ریم نکند و خشک شود و فرو ریزد» (۲۳). بیماری آبله نیز از بیماری‌های همه‌گیر آن عصر بود که گاهی منجر به تلفات فراوان می‌شد. به روایت ابن جوزی در سال ۴۲۳ قمری در بلاد هند، غزنه و بسیاری از بلاد خراسان، گرگان، ری، اصفهان، جبال، موصل و... کودکان، مردان و زنان بی‌شماری به علت بیماری آبله مردند، به نوعی که در هر خانه‌ای مصیبت بود. فقط از موصل خبر آمد که به علت آبله، چهار هزار کودک مردند (۲۵).

عنوان باب چهارم کتاب/التنوير «اندر آنچه در تن مردم است از اندام و آنچه مانند وی است»، این باب سی و سه اندام داخلی شامل عروق، ماساریقا، قیفال، باسلیق، اکحل، حبل‌الذراع، سلیم، وداجات، صداد، عرق‌النساء، شریان‌ها، دو شریان سبات، پی‌ها، عضل، اوتار، ربوط، اغشیه، غضاریف، قواد، بواب، صایم، دقیق، قولون، واعور، مستقیم، تجاویف، منافذ، مجاری، مسام، منافس، مهتر و اندام‌های آلی و متشابه را تعریف نموده است. ابومنصور عروق را رگ‌هایی معرفی می‌کند که همانند جوی‌هاست که از جگر رشد می‌کند و در تمام بدن پراکنده می‌گردد (۲۳). وی همانند بسیاری از طبیان آن روزگار بر این باور بود که جگر کار خون‌سازی را انجام می‌دهد. ابومنصور باب پنجم کتاب/التنوير را «اندر نام‌های طبایع‌ها و آنچه در معنی وی است» نام‌گذاری نموده است. وی در این باب به بررسی سی و سه مورد از طبایع و اخلاط، از جمله چهار طبع، امهات، استقسات، طبع، طبیعت، اعتدال، مزاج، اخلاط، جاذبه، ماسکه، هاضمه، دافعه، شوابل، جواهر، ارواح، حرارت غریزی، حرارت عرضی، بیماری، عرض، امتلاء، فضول، مادت، کیلوسی، کیموس، باذغلیظ، سدد و عفونت پرداخته است. وی امزاج را همچون پزشکان یونانی به گرم، سرد، تر و

خشک تقسیم نموده و درباره اخلاط چنین نوشته است: «خون است و صفرا و سودا و بلغم»، یعنی با پزشکان یونانی در این باره هم عقیده بود (۲۳).

ابومنصور در باب ششم/التنوير با عنوان «اندر نام‌ها که اندر علاج بکار داشته آید»، درباره انواع روش‌های درمانی بحث کرده و روش ساخت ۲۴ نوع علاج را به اختصار ذکر کرده، اما به کاربرد و استعمال آن برای درمان نوع بیماری اشاره ننموده است. روش‌های علاجی که وی نام برده، عبارتند از: ضمد، نطول، سل کوب، صوب، نشوق، شوموم، عطوس، سعود، نصح، وجور، غرور، مضوض، لطوخ، مسوح، مروح، لعوق، صفوف، قمحه، بخور، سنون، ذرور، حقنه، شافه و فرزجه. برخی از این علاج‌ها نظیر شیاف در دوران حاضر نیز در پزشکی کاربرد دارد. ابومنصور از شیاف با عنوان شافه یاد کرده و نوشته است: «آن چیز بود که به مقعد اندر نهند و داروی چشم نیز بود و آنچه به تن اندر نهند، آن را بلوطه گویند و بندقه و فسد گویند و گر سخت دراز بود، سبار گویند.» وی در مورد غرور می‌نویسد: «آن بود که بوی غرغره کنند.» این روش برای درمان بیماری‌های حلق و دهان امروزه نیز متداول است. همچنین در مورد بُخور آورده است: «آن بود که یک لقمه به آتش برافکنند و اندام به بوی او بدارند» (۲۳). اغلب شیوه‌های درمانی که ابومنصور القمري در عصر سامانی از آن یاد نموده است، در عصر حاضر نیز توسط اطبا در طب سنتی استفاده می‌شود.

باب هفتم/التنوير با عنوان «اندر نام‌های طعام‌ها و شراب‌ها» اختصاص به بیست و نه مورد از انواع خوراک‌ها و نوشیدنی‌ها با خواص درمانی دارد. ابومنصور در این باب از انواع خوراک و نوشیدنی‌ها شامل خشک آرد، سمید، جوبن، مطنجه، شوا، طباهه، قلیه، لفایف، فریض، مصوص، هلام، آهال، خایه نیم برشت، مزور، واصیر، برآرد، مری، کوامیخ، خل زیت، سبوسات، وتوابل، ابازیر، افایه، شراب، باذه، جمهوری، شراب ریحانی، شراب مروق و معتق یاد کرده و آن‌ها را تعریف نموده است (۲۳). تجویز خوراک‌ها و نوشیدنی‌های مفید برای درمان بیماری‌ها از دیرباز مورد توجه پزشکان بوده است. به عنوان

مثال بقراط استفاده از ماءالشعير، کشک جو، شراب، انگبین و سرکه انگبین را برای شفابخشی به بیماران توصیه می نمود (۲۶). نکته قابل توجه در این بخش نقش درمانی شراب است. با وجود اینکه شراب در آیین اسلام از مسکرات و حرام است (۲۹-۲۷)، اما ابومنصور به فواید آن در شفابخشی برخی بیماری ها اشاره کرده است.

باب هشتم کتاب التنوير «اندر نام های قراپادین ها و لفظ ها» است. قراپادین مجموعه ای از دستورات عملی است که در آن نام داروهای نباتی و معدنی به ترتیب الفبای عربی ثبت شده و اطلاعات فراوانی درباره درمان بیماری و روش ساختن و استعمال داروهای گیاهی داده شده است (۳۰). ابومنصور در این باب سیزده گونه از انواع داروها را تعریف نموده و خواص و طریقه ترکیب آن ها را نوشته است. این سیزده گونه شامل عقاقیر، یارها، حبها، مطبوخ، انبجات، مربیات، عصاره، صمغ ها، شراب ها، ضمادها، قیروطی، اقراض و کحل ها است. در اسلام داروها را عقاقیر می نامیدند. ابومنصور در مورد عقاقیر می نویسد: «نامی است که بر همه داروها افتد، و فرق میان معجون ها و گوارش ها آنست که معجون هم طلع بود و هم شیرین و هم گنده و هم خوش و گوارش نبود، مگر بمز و خوش بود هر آینه» (۲۳).

باب نهم کتاب التنوير به «نام های سنگ ها و پیمانه» اختصاص داده شده است. مقدار و میزان استفاده از هر دارو با ابزارهایی سنجیده می شد. به منظور اندازه گیری داروها و مواد افزودنی برای تعادل در میزان داروها، شناخت پیمانه ها ضروری است، همان گونه که در حال حاضر نیز داروسازان و پزشکان میزان دُز مواد را برای تهیه دارو به کار می گیرند. ابومنصور از هجده پیمانه رایج در عصر خویش از جمله طسوج، قیراط، مثقال، سه هفتیک یک سیر، سه هفتیک اوقیه، پنج هفتیک درخمی، قرانوس، قوطولی، باقلی مصری، باقلی یونانی، رطل، چهار هفتیک یک من، قسط، ورق، کیل، طاع، بلعک و کلیجه به زبانی ساده یاد کرده و درباره تفاوت پیمانه ها و مقادیر داروها در مناطق مختلف و اقلیم ها چنین نوشته است: «کم و بیش اندر پیمانه ها و سنگ ها به اقلیم ها و شهرها بسیار است... و

بوی اندر بسیار چیزها گفته اند و بدان هم حاجت نیاید» (۲۳). ابومنصور هدف خویش از نوشتن مقدار پیمانه ها را چنین اذعان داشته است: «و من این مایه یاد کردم از وی که اندر کتاب ها طبیبان است و بر آن همه کرد آمده اند.» پیمانه هایی که طبیب نامدار عصر سامانی از آن نام می برد، در دوران اخیر نیز کاربرد دارد.

باب دهم و پایان بخش مباحث التنوير «اندر شناختن چیزها که چاره نیست» نامگذاری شده است. نویسنده در این فصل سی و پنج مورد از اصطلاحات مهم پزشکی سده چهارم قمری و چگونگی انجام برخی روش های درمانی را آورده است که عبارتند از: شستن موم، شستن لک، شستن آهک، شستن مرداسنگ، شستن کل، شستن بست، شستن روغن شیر، شستن نان، شستن اسبغول، تازه کردن روغن ها، مغز استخوان، مستکرم، کردن روغن خایه، بیرون آوردن عسل بلاذر، کردن کل حکمه، بیرون آوردن روغن گندم و نخود، کردن زوفاء تر، بیرون آوردن شیر شبرم، خوب کردن ریوند پارسی تا به جای ریوند چینی کار کند، گرفتن خاکسترها، گرفتن دود کندر، گرفتن خاکستر کژدم، سوختن سنگ ها، تدبیر ریم آهن، سوختن زاک، سوختن آبگینه، سوختن سرطان، کردن آبگینه، به کار آوردن دبق، کردن پنیر آب، به کار آوردن ابریشم، کرم کردن طعام های سبتر، صفت گرمابه خشک و صفت آبگیر زن. این فصل از استفاده از خاکستر و ترکیبات اعضای جانداران زنده در طبابت پرده برمی دارد. ابومنصور درباره گرفتن خاکستر خرچنگ و عقرب چنین نوشته است: «گرفتن خاکستر کژدم بیار کژدم ها را و بدیکی نو اندر کن، و سر دیک استوار کن و بنه اندر تنور، بر خشت پخته، و تنور نیک گرم نباید و از پس شش ساعت بیرون آر» (۲۳). این موارد، مهارت پزشکان سده های نخست اسلامی در استفاده کاربردی از مواد طبیعی، گیاهی و جانداران در تهیه داروهای مناسب برای بهبود و شفابخشی را به روشنی نشان می دهد.

۴. نقش کاربردی رساله التنوير: رساله التنوير در دوره سامانیان کاربردهای متعددی داشته است، اما متأسفانه در این باره منابع و مطالب چندانی باقی نمانده است. نگارش این

اثر به زبان فارسی، خود گواهی بر استفاده‌های کاربردی فراوان این رساله در دوره سامانیان است. به نظر می‌رسد از دلایل انتخاب زبان فارسی برای این اثر، یکی این بوده که برای عموم مردم قابل درک و استفاده باشد. در آن زمان زبان علمی و زبان نگارش بیشتر متون، زبان عربی بود، اما بسیاری از مردم از فهم متون پزشکی به زبان عربی عاجز بودند. از این رو نگارش این کتاب به زبان فارسی برای عموم مردم آن دوره جهت فهم و شناسایی بیماری‌ها و روش علاج آن‌ها بسیار تأثیرگذار بود. با توجه به تسهیل نمودن لغات و اصطلاحات طبابت در ابعاد گوناگون به زبان فارسی و همچنین شرایط جامعه ایران در آن روزگار، به نظر می‌رسد این کتاب برای جوامع غیر شهری در آن دوره کاربرد فراوانی داشته است. با وجود اینکه زبان علمی در آن روزگار زبان عربی بود، این مسأله بیشتر در شهرها کاربرد داشت و در روستاها هنوز نهادینه نشده بود. بسیاری از روستاییان ایران حتی تا قرن چهارم به کیش اسلام درنیامده بودند. از این رو آموختن و به کارگیری زبان عربی برای آنان مقدور نبود. این کتاب به زبان فارسی می‌توانست برای جوامع روستایی که از اندک سواد برخوردار بودند، نقش کاربردی فراوانی داشته باشد.

یکی دیگر از کاربردهای رساله *التنوير* در دوره سامانی به خصوص اینکه به زبان فارسی نگاشته شده است، تقویت، تثبیت، حفظ و تداوم زبان فارسی بود. این امر باعث شد هم در دوره سامانی و هم در ادوار بعدی تاریخ ایران آثار طبی زیادی به زبان فارسی نوشته شود.

از سوی دیگر، کتاب *التنوير* در آن روزگار در حکم دایرةالمعارف کوچکی بود که برای یافتن لغات و اصطلاحات مختلف در حوزه طبابت از شناسایی بیماری‌ها تا درمان آن‌ها و نیز انواع داروها و روش‌های درمانی و... می‌توانست مورد استفاده قرار گیرد. دقت نویسنده در جامعیت مباحث و تقسیم‌بندی دقیق آن‌ها، جستجوی مطالب را تسهیل نموده بود، البته این کتاب شرح مبسوط و بسیار تخصصی در مورد مسائل طبی آن دوران نبود، اما جامعیت و دقت در تقسیم‌بندی مطالب، نقش کاربردی آن را راحت‌تر کرده بود. جامعیت *التنوير* به گونه‌ای

است که انواع بیماری‌ها، اسامی اندام‌های مختلف بدن انسان، انواع داروها، انواع حوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها و نیز اینکه هر دارویی برای چه بیماری مفید است را شرح داده است. علاوه بر این‌ها، حتی به اوزان و پیمانه‌ها نیز اشاره دارد. از آنجا که اوزان و پیمانه‌های داروها به خصوص داروهای خاص، مخصوص به خود بود و در ارتباط با سایر کالاها و معاملات کاربرد نداشت، تعریف این اوزان کار طبیبان را برای تعیین میزان دارو و همچنین نحوه فروش داروها راحت کرده بود. در مجموع کتاب *التنوير* هم توسط طبیبان به طور مستقیم مورد استفاده قرار می‌گرفت و هم اینکه با توجه به توضیحات و کلیدواژگان این اثر، طبیبان می‌توانستند راحت‌تر مسائل طبی مورد نظرشان را در منابع دیگر به خصوص منابع عربی جستجو کنند، به علاوه حتی با درک نسبی برخی موارد از *التنوير*، می‌توانستند مسائل طبی را از منابع مبسوط‌تر و مشروح‌تر، بهتر و کامل‌تر درک نمایند.

کتاب *التنوير* در حال حاضر نیز کاربردهایی دارد. یکی از کاربردهای امروزی این کتاب استفاده طبیبان سنتی فارسی زبان از این اثر است. از آنجا که تعریف برخی بیماری‌ها را به صورت کامل ذکر نموده، اندام‌های بدن و مزاج‌ها را شرح داده و در زمینه تعریف داروها و نقش آن‌ها، توضیحات مناسبی ارائه نموده، طبیبان سنتی می‌توانند با مطالعه آن بر معلومات خویش بیفزایند و در موارد مناسب از آن استفاده نمایند.

یکی دیگر از کاربردهای امروزی *التنوير* این است که این کتاب در حکم دایرةالمعارفی است که از طریق آن می‌توان موارد طبی و پزشکی را در منابع دیگر جستجو نمود. با توجه به اینکه ابومنصور موارد طبی را در باب‌های ده‌گانه معرفی و در هر باب در قسمت تعریف‌ها دقت و ترتیب خاصی را رعایت نموده، جستجوی موضوعی برای طبیبان سنتی امروزی جهت شناسایی و درمان بیماری‌ها راحت‌تر شده است. همچنین می‌تواند برای محققان نیز راهگشایی باشد که از این طریق بتوانند جستجوی موارد و مسائل طبی را در منابع دیگر راحت‌تر انجام دهند.

پزشک حاذق دارد. نگارش چنین کتاب‌هایی نشانگر رشد و رونق علم پزشکی و انواع روش‌های انتقال معلومات پزشکی در آن دوره به خصوص به زبان فارسی است. این اثر علاوه بر شناسایی انواع بیماری‌ها و درمان آن‌ها، می‌تواند نقش آموزشی برای پزشکان مبتدی داشته است.

مشارکت نویسندگان

عبدالله صفرزائی: موضوع مقاله و طرح مسأله، دسته‌بندی، تحلیل و جمع‌بندی مطالب، ویرایش نهایی مقاله.
ناهید براهویی: موضوع مقاله و طرح مسأله، جمع‌آوری داده‌ها.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

یکی از کاربردهای بسیار مهم امروزی کتاب *التنویر* استفاده کاربردی از تعاریفی است که در باب نهم با عنوان «نام‌های سنگ‌ها و پیمانه» آورده است. ابومنصور در این باب از کتاب با دقت خاصی اوزان و پیمانه‌ها به خصوص پیمانه‌های بسیار کوچک را که برای وزن کردن اشیای نفیس و مواد نایاب و کم‌یاب مورد استفاده قرار می‌گرفت، آورده است. آوردن اوزان و پیمانه‌ها از دو جهت می‌تواند مورد استفاده کاربردی قرار گیرد: برای طبیبان که داروهای کم‌یاب و نایاب را با همان واحدهای سنجش وزن، خرید و فروش یا برای بیماران تجویز نمایند و نیز برای جواهر فروشان، به علاوه محققان در پژوهش‌های مربوط به بازه زمانی همان دوران، می‌توانند از این اثر استفاده کنند، زیرا پیمانه‌های متعدد را بر اساس تعریف همان زمان آورده است.

نتیجه‌گیری

علم پزشکی در سده‌های نخست اسلامی پیشرفت قابل توجهی داشت. فضای علم‌آموزی آن دوره، ترجمه متون یونانی، گسترده‌گی عالم اسلامی، حمایت امرا و وزرا و کنجکاو و تلاش دانشمندان مسلمان به خصوص ایرانیان موجبات پیشرفت و رونق علم پزشکی را فراهم آورد. دوره سامانیان یکی از ادوار طلایی نگارش انواع کتاب‌های طبی بود. از جمله پزشکان نامدار این عصر، ابومنصور حسن بن نوح القمیری البخاری است که کتاب‌هایی نیز تألیف نمود. مهم‌ترین اثر وی رساله *التنویر* در ترجمه و تفسیر اصطلاحات پزشکی است که بنا بر سبک معمول آن دوره، علاوه بر زبان عربی برای استفاده فارسی‌زبانان، به فارسی دری نیز نوشته شد. نگارش یا ترجمه کتاب به زبان فارسی توسط مؤلف، نشانگر اهمیت کاربردی آن برای جامعه با توجه به فضایی است که سامانیان در آن نقش داشتند. رساله *التنویر* در ده فصل و در مورد انواع بیماری‌ها و علائم آن، انواع داروها، انواع پیمانه‌های دارویی و اصطلاحات دیگر پزشکی نوشته شده است. این اثر بیشتر بیماری‌ها از فرق سر تا نوک پا را معرفی نموده است. شرح تهیه رایج‌ترین داروها برای مداوا و درمان آن‌ها، حکایت از دقت و تیزبینی این

References

1. Ibn Khallikan AM. Wafayat al-Ayan. Translated by Sejzi AM. Corrected by Modarresi F. Urmia: Urmia University; 2002. p.398. [Persian]
2. Algood C. Medical History of Iran. Translated by Javidan M. Tehran: Iqbal Publications; 1973. p.180, 269, 435-436, 467. [Persian]
3. Ibn Abi Usaybi'a. Oyon al-Anba fi Tabaghat al-Ateba. Researched by Reza N. Beirut: Dar al-Maktabaeh al-Hayat; 1965. p.423. [Arabic]
4. Ibn Nadim MA. Al-Fehrest. Translated by Tajaddod R. Tehran: Asatir Publications; 2002. Vol.2 p.528. [Persian]
5. Halabi AA. History of Islamic civilization. Tehran: Asatir Publications; 1993. p.221-222. [Persian]
6. Razi M. Al-Hawi fi al-Tibb. Collected by Hatami H. Tehran: Shahid Beheshti University of Medical Sciences; 2008. Vol.1 p.46, 58, 87; Vol.2 p.135, 217; Vol.3 p.220; Vol.4 p.101; Vol.12 p.1234; Vol.16 p.1565; Vol.20 p.1905, 2019; Vol.21 p.2299. [Arabic]
7. Qofti JA. Tarikh al-Hokama. Germany: Leipzig; No Date. p.232, 414-415. [Arabic]
8. Safa Z. History of Literature in Iran. Tehran: Ferdows Publications; 1990. p.345. [Persian]
9. Moosavi J. The Place of Avicenna in the History of Medicine. History of Science. 2009; 1(1): 3-8. [Persian]
10. Al-akhawyni Bokhari A. Hedayt al-Muta'alemin fi al-Tibb. Edited by Matini J. Mashhad: Ferdowsi University Press; 1965. [Persian]
11. Dalfardi B, Yarmohammadi H, Ghanizadeh A. Melancholia in medieval Persian literature: The view of Hidayat of al-Akhawyni. WJP. 2014; 4(2): 37-41.
12. Kalantari Meibodi M, Askarpour MR, Esnaashary H, Mahmoodi Nezhad G, Yarmohammadi H. Hedayay al-Motealemin fi al-Teb: The Oldest Medical Treatise in the Persian Language. History of Medicine. 2015; 4(2): 99-108. [Persian]
13. Nezami Aruzi Samarghandi. Chahar Maqala. Edited by Qazvini M. Tehran: Armaghan Publications; 1948. p.78, 105-106, 110, 288. [Persian]
14. Mahdavian T, Mahdavian M. Razi Ophthalmology. Med Hist J. 2020; 11(41): 33-41.
15. Nasr SH. Biology. The Cambridge History of Iran. Translated by Anoushe H. Tehran: Amir Kabir Publications; 2010. Vol.4 p.346-364. [Persian]
16. Naji MR. Samanian. Tehran: Cultural Research Office; 2001. p.97. [Persian]
17. Sam'ani A. Al-Ansab. Research by al-Moalemi al-Yamani AY. Hyderabad: Al-Othmaniyan Encyclopedia Assembly; 1962. Vol.11 p.146. [Arabic]
18. Homawi YA. Mu'jam ul-Buldan. Beirut: Dar al-Sader; 1995. Vol.4 p.479. [Arabic]
19. Emam MK. Corrected Introduction in al-Tanvir in translating and interpreting Persian medical terms. Tehran: Nouriani Charitable Foundation; 1973. p.5-6, 13-14, 27. [Persian]
20. Gutas D. Avicenna ii, Biography. New York: Encyclopedia Iranica; 2012. Vol.3 p.67-70. Available at: <http://www.iranicaonline.Org/articles/Avicenna-ii>. Accessed December 30, 2012.
21. Safa Z. A Perspective on Iranian Culture and its global impact. Tehran: Tehran University Publications; 1971. p.151, 201. [Persian]
22. Nabipour I. An Introduction to the medical History of Persian Gulf. Boushehr: Boushehr University of Medical Sciences; 2007. p.52. [Persian]
23. Al-Qamari Bukhari AH. Al-Tanvir in translating and interpreting Persian Medical terms. Corrected by Emam SMK. Tehran: Nouriani Charitable Foundation; 1973. p.35, 37, 39-40, 44, 47-58, 63-73. [Persian]
24. Ibn al-Athir AM. The complete History. Beirut: Dar al-Sader, Dar al-Beirut; 2006. p.231, 509. [Arabic]
25. Ibn al-Jawzi AA. Al-Muntaẓam Fīṭārīkh al-Mulūk wa al-Umam. Resarch by Abdolqader Ata M. Beirut: Dar al-Kotob Ilmiyah; 2001. p.30, 230. [Arabic]
26. Sarton G. History of Science. Translated by Aram A. Tehran: Amir Kabir Publications; 1967. p.362, 366. [Persian]
27. The Holy Quran. Al-Ma'idah: 90.
28. Bukhārī MA. Ṣaḥīḥ al-Bukhārī. Research al-Nunāvy M. Macca: Maktab al-Ḥifẓ al-Hadīs; 1984. Vol.6 p.45-46. [Persian]
29. Al-Hurr al-Amili M. Wasail al-Shia. Corrected by al-Razi. Beirut: Dar al-Ehya, Dar al-Teras; No Date. p.233, 241. [Arabic]
30. Beigbabapour Y, Marashi S. Writing on Grafidin (Frafidin) and the Status of Great Grafidin of Shapour Ibn Kousaj as the First Book on Grafidin in the Era of Islamic Civilization. JIITM. 2015; 6(1): 71-79. [Persian]